

# شجره ملعونه در قرآن و حدیث

علی لطفی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام

## مقدمه

قرآن کریم بیانگر اساس تعلیم و حیانی است که خداوند برای هدایت بشر تا روز قیامت بر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود. گاهی ملاحظه می شود تعلیم این کتاب مقدس - بنا به مصالحی - نه به طور تصریح، بلکه به اشاره، و با کاربرد واژگانی رسا و مفهوم دار از حقایق پرده برمی دارد و چنان نورافشانی می کند که همچون آیات صریح و آشکار مورد استفاده قرار می گیرد.

آنچه برای فهم این گونه آیات بسیار اهمیت دارد، خروج از قالبهای تنگ و تعصبات مذهبی

و فرقه گرایی می باشد، که چنانچه با نگاه تعصب آلود بدین آیات نظاره شود به تعبیر قرآن کریم، جز خسارت و ضرر چیز دیگری نصیب نخواهد شد<sup>۱</sup>.

از جمله واژگانی که کاربرد متنوعی در قرآن دارد، واژه «شجره» می باشد. کلمه شجره در ترکیبهای چون: شجره ممنوعه، شجره طیبه، شجره خبیثه و شجره مبارکه به کار رفته و «شجره ملعونه» یکی از تمثیلاتی است که خداوند بنابر آیه ۶۰ سوره اسراء آن را به شکل رؤیایی بر پیامبر خود نمایانده و اهل شجره را نسبت به خود بیم داده است.

قرآن کریم در بردارنده معارف عالی الهی است که با روشهای بیانی گوناگون در اختیار بشر قرار گرفته است.

از جمله روشهای رایج قرآنی، استفاده از زبان تمثیل است. استفاده از تمثیل و تشبیه در سخن، در رساندن مطالب و درک بهتر و سریع تر کمک می کند. در بیان مطالب علمی و عقلی، مثل و تشبیه بهترین وسیله برای تفهیم مطالب است<sup>۲</sup>.

از جمله تمثیلهای زیبای قرآنی، تمثیل به «شجره ملعونه» می باشد.

خداوند می فرماید:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا

۱ - ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ اسراء / ۸۲

۲ - پژوهشی در علوم قرآنی، ص ۱۹۵.

جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۱

خداوند در این آیه، شجره ملعونه را در قرآن مایه فتنه و امتحان مردم قرار داده است. برای فهم دقیق آیه لازم است در آغاز، معنای دقیق «شجره» و کاربرد آن در کلام بررسی شود.

### شجره در لغت و اصطلاح

«شجره» کلمه‌ای مفرد و دارای جمعهای متعددی چون: «الشَّجَر، الشَّجَرَات، والأشجار» می‌باشد.

«الشجر» از مجموعه گیاهان، بر نباتی اطلاق می‌گردد که بر ساقی قرار گیرد (ساقه‌دار باشد)<sup>۲</sup> و از آنجا که شجره گیاهی است که بر اصل و ریشه‌ای استوار است در اصطلاح بر اصل و دودمان نیز اشارت دارد. عبارت «فلائ من شجرة مباركة»؛ یعنی او از اصل مبارکی است.<sup>۳</sup> با این بیان ملاحظه می‌شود آیاتی چند در قرآن به آن نظر دارد:

﴿الْم تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۴  
وَأَيُّ شَرِيفَةٍ ۵ وَمِثْلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۶﴾

این کلمه با همین معنی در احادیث نیز به کار رفته است؛ در حدیثی رسول خدا ﷺ به حضرت علی ؑ می‌فرماید:

«يا علي! الناس من شجر شتى، وأنا وأنت

من شجرة واحدة»<sup>۶</sup>

شجره در این حدیث به معنای اصل و ریشه و دودمان است. «ماوردی» شجره را به شکلی دیگر و معنایی نزدیک به معنای یاد شده بیان می‌دارد و می‌گوید:

«الشجرة كناية عن المرأة، والجماعة اولاد المرأة كأغصان الشجرة»<sup>۷</sup>

### گذری بر آیه

آیه از چهار فقره تشکیل یافته و هر فقره‌ای جداگانه بر معنای روشنی دلالت دارد، ولی از نظر ارتباط و وجه اتصالی که با هم دارند، خالی از اجمال نیست و می‌توان سبب اجمال را در دو فقره دومی و سومی (رؤیا و شجره) بیان داشت، چرا که خداوند سبحان نفرموده آن رؤیایی که به پیامبر خود ارائه داده چه بوده است؛ و در سایر

۱- اسراء / ۶۰؛ «ای رسول گرامی، به یاد آر وقتی را که به تو گفتیم: خدا به همه افعال و افکار مردم محیط است و ما رؤیایی را که به تو ارائه دادیم چیزی جز آزمایش و امتحان برای مردم و (شناختن) درختی که به لعن در قرآن یاد شده نیست و ما آنها را از خدا می‌ترسانیم، ولیکن آیات بر آنها جز طغیان و کفر و انکار شدید چیزی نیفزاید.

۲- لسان العرب، ج ۷، ص ۳۶.

۳- همان.

۴- ابراهیم / ۲۴.

۵- ابراهیم / ۲۶.

۶- کنز العمال / خ ۳۲۹۴۴.

۷- تفسیر الماوردی، ج ۳، ص ۲۵۴؛ شجره کنایه از زن است و جامعه همچون شاخه‌های درختان فرزندان زن هستند.

آیات قرآن نیز آیه‌ای دیگر آن را تفسیر نکرده است، لیکن رؤیایی که در آیه مورد نظر ذکر شده، با رؤیایی که در آیه ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ...﴾<sup>۱</sup> بیان شده، تطبیق نمی‌کند؛ زیرا آیه مورد بحث در مکه نازل شده و مربوط به قبل از هجرت است و آیه ۲۷ سوره فتح مربوط به حوادث بعد از هجرت می‌باشد.

آنچه روشن است مراد خداوند در آیه، توضیح و بیان دو فقره «داستان رؤیا» و «داستان شجره ملعونه در قرآن» که مایه فتنه مردم شده نیست، بلکه مقصود، اشاره اجمالی به آن دو است و چه بسا بتوان از سیاق آیات پاره‌ای از جزئیات این دو داستان را استفاده کرد. آیات قبلی در مقام بیان این نکته بود که بشریت آخرش مانند اولش در بی‌توجهی به آیات خدا و تکذیب آن، الگوی پس از خودش می‌باشد و جوامع بشری به تدریج و قرنی بعد از قرن دیگر عذاب خداوند را می‌چشند که آن عذاب یا هلاک کردن است، یا چیزی کمتر از آن. از طرف دیگر، آیات بعد از آیه ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ...﴾<sup>۲</sup> شروع می‌شود و داستان ابلیس و تسلط عجیب او را بر اغواء بنی آدم بیان می‌کند نیز همان سیاق آیات را دنبال می‌کند. لذا روشن می‌شود که رؤیا و شجره (ملعونه) دو امری است که یا به زودی در بشر پیدا می‌شود، یا آنکه در ایام نزول پیدا شده و مردم به وسیله آن دو، دچار فتنه می‌شوند و فساد در میان آنان

پراکنده شده، طغیان و استکبار در بین مردم رشد می‌کند.

از آنچه گفته شد به دست می‌آید که خداوند شجره مورد نظر را به وصف ملعونه در قرآن توصیف کرده است و از این موضوع آشکار می‌گردد که قرآن مشتمل بر لعن آن است و لعن آن شجره در میان لعنهای قرآن موجود است، چرا که در آیه آمده بود: ﴿وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ﴾<sup>۳</sup>.

### لعنت در قرآن

آن گونه که از آیات قرآن به دست می‌آید، ابلیس<sup>۴</sup>، یهود<sup>۵</sup>، مشرکان<sup>۶</sup>، منافقان<sup>۷</sup> و عناوین دیگر؛ مانند کسانی که در حال کفر از دنیا بروند<sup>۸</sup>، یا اشخاصی که آیات نازل شده را کتمان می‌کنند<sup>۹</sup>، یا کسانی که خدا و رسولش را آزار می‌دهند<sup>۱۰</sup> مورد لعن قرار گرفته‌اند.

با توجه به معنایی که برای شجره عنوان شد (اصل و ریشه و دودمان)، این نکته روشن خواهد شد که منظور از شجره ملعونه، یکی از

۱- فتح / ۲۷.

۲- اسراء / ۶۱.

۳- المیزان، ج ۱۳، ص ۱۳۸-۱۳۶، با اندکی تلخیص.

۴- نساء / ۱۱۸.

۵- مائده / ۱۳ و ۶۴.

۶- احزاب / ۶۴.

۷- توبه / ۶۸.

۸- بقره / ۱۶۱.

۹- بقره / ۱۵۹.

۱۰- احزاب / ۵۸.

همان اقوام ملعونه در کلام خداوند است که در نشو و نما و برخورداری از شاخه، از همان صفت درخت پیروی می‌کند و همچون درخت بقایبی یافته، میوه‌ای می‌دهد، و آن در حقیقت همان فتنه‌ای است که امت اسلام به وسیله آن آزمایش می‌شوند.

چنین صفاتی جز بر یکی از سه دسته اهل کتاب، مشرکان و منافقان مطابقت ندارد. حیات و بقای آنها در میان مردم یا از راه تناسل و زاد و ولد است و چون در میان مردم زندگی می‌کنند، دین و دنیای مردم را فاسد و تباه نموده، آنها را دچار فتنه می‌سازند، یا از راه ایجاد و خلق عقیده‌ها و مذاهب فاسد، آن را گسترش می‌دهند و نسلی پس از نسل از آن پیروی کرده، به دیگران تحویل می‌دهند.

اکنون که شجره ملعونه از این سه دسته خارج نیست، باید دید اوضاع هر یک در زمان نزول قرآن چگونه بوده است. از دسته مشرکان و اهل کتاب نه قبل از هجرت و نه پس از آن، قومی از چنین ویژگی برخوردار نبوده؛ زیرا خداوند مسلمانان را از شر آنها ایمن کرده و به آنها استقلال بخشیده است، همچنان که خود در اواخر حیات پیامبر ﷺ فرمود:

﴿الْيَوْمَ يَمَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ﴾<sup>۱</sup>

بنابراین تنها دسته و گروهی که (با حذف اهل کتاب و مشرکان) باقی می‌ماند و نظرها به آن سوی معطوف می‌گردد، منافقان هستند که به

ظاهر اسلام آورده و در میان مسلمانان یا از راه توالد و یا از راه عقیده و مسلک دوام یافته‌اند و در بین آنان فتنه‌جویی می‌کنند. با توجه به ارتباط میان چهار فقره موجود در آیه، روشن می‌گردد که آیه بیانگر امر مهمی است که خداوند بر آن احاطه دارد و پند و ترس سودی جز فزونی طغیان ندارد. از این نکته فهمیده می‌شود که قضیه از این قرار بوده که خداوند سبحان در رؤیا به پیامبرش ﷺ این شجره ملعونه و پاره‌ای از کردار آنان را نشان داده است، آن‌گاه برای پیامبر اکرم ﷺ بیان فرموده که آن یک فتنه است.

بنابراین حاصل معنای ﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ﴾ این می‌شود که ما شجره ملعونه را در قرآن - که با معرفی ما شناختی و کارشان را در رؤیا به تو نمایاندم - چیزی جز فتنه برای مردم و امتحانی برای آزمایش آنها قرار ندادیم. همچنین ضمیر جمعی که در عبارت ﴿وَتُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ است به «ناس» برمی‌گردد و منظور از تخویف، یا تخویف با موعظه است، یا با آیات آسمانی و زمینی است که می‌ترساند، ولی هلاک نمی‌کند و معنای عبارت این گونه است: ما مردم را می‌ترسانیم، ولیکن تخویف چیزی بر آنها جز طغیان نمی‌افزاید و آن هم نه هر طغیانی، بلکه طغیانی

۱ - مائده / ۳؛ امروز کافران از سیطره بر دین شما ناامید شدند، بنابراین از آنان وحشت نداشته باشید و از من بترسید.

مراد از رؤیا در آیه، خوابی است که پیامبر ﷺ در باره بنی‌امیه دید و شجره ملعونه، همین ریشه و دودمان است

برخی دیگر با تضعیف یک یا دو نفر از رجال حدیث، سعی در اسقاط آن از شهرت دارند. در زیر به برخی از آرای مفسران اهل سنت اشاره می‌شود:

۱ - **آلوسی:** وی در ذیل آیه احادیثی نقل کرده که برای اختصار تنها به یکی از احادیث اشاره می‌گردد:

اخرج ابن مردويه عن عائشة انها قالت لمروان بن الحكم: سمعت رسول الله ﷺ يقول لا بیک وجدک: «أنکم الشجرة الملعونة فی القرآن»<sup>۲</sup>

وی می‌گوید: پس به این ترتیب معنای احاطه الهی بر مردم، احاطه قدرت الهی بر بنی‌امیه است، ولی منظور از بنی‌امیه افراد خاص و معین آن گونه که شیعه پنداشته و بنی‌امیه را تنها در افراد معدود و معین بیان داشته نمی‌باشد، بلکه منظور مطلق بنی‌امیه است!<sup>۳</sup>

۲ - **بروسوی:** وی منظور از رؤیا را در آیه آن چیزی بیان می‌دارد که پیامبر ﷺ در شب معراج آن را مشاهده نمود. بروسوی در تفسیر خود هیچ‌ذکری از اینکه منظور از شجره ملعونه در قرآن چیست، بیان نمی‌دارد.<sup>۴</sup>

۱- المیزان، ج ۱۳، ص ۱۴۰-۱۳۸، با تلخیص.

۲- ابن مردويه از عایشه روایت کند که وی به مروان بن حکم گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم به پدر وجدت می‌گفت: شما شجره ملعونه در قرآن هستید.

۳- روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۰۷.

۴- روح البیان، ج ۵، ص ۱۷۸.

بزرگ؛ یعنی به عبارت دیگر، آنها از تخویف ما نمی‌ترسند تا دست از اعمال گذشته خود بردارند، بلکه آنها تخویف ما را با طغیانی بزرگ پاسخ می‌دهند و در طغیانشان زیاده‌روی و در عناد و لجاجتشان با حق افراط می‌کنند.

در پایان ناگفته نماند، بسیاری از روایاتی که از طریق اهل سنت بیان گردیده و همچنین تمامی احادیث ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) در تأیید مطلب گذشته، بیان می‌دارند که مراد از رؤیا در آیه، خوابی است که پیامبر ﷺ در باره بنی‌امیه دید و شجره ملعونه، همین ریشه و دودمان است.<sup>۱</sup>

### تفسیر آیه از دیدگاه مفسران اهل سنت

با بررسی تفاسیر اهل سنت ملاحظه می‌شود مفسران اهل سنت در تفسیر آیه مورد نظر برخوردارهای مختلفی کرده‌اند. بعضی آیه را به اختصار شرح داده بدون اشاره به سابقه‌ای در تاریخ اسلام از آن عبور می‌کنند. بعضی دیگر روایاتی شبیه به روایات شیعه ذکر می‌کنند، ولیکن به صراحت از خود نظری بیان نمی‌دارند.

۳- ابن کثیر: منظور از شجره ملعونه همان شجره زقوم است. وقتی پیامبر ﷺ مردم را آگاه ساخت که او بهشت و جهنم را دیده، او را تکذیب کردند تا اینکه ابوجهل گفت: برای من خرما و کره (به اصطلاح زقوم) بیاورید، سپس از آن بخورد و به دیگران هم گفت: شما هم از آن لقمه‌ای برگزید ما جز این (نوع غذا) زقومی نمی‌شناسیم.

وی می‌نویسد: هر کس بر این عقیده باشد که منظور از خواب، شب معراج است، لاجرم شجره ملعونه را به شجره زقوم تفسیر نموده است. وی اضافه می‌کند: گفته شده که مراد از شجره ملعونه «بنی امیه» است و حال آنکه این حدیث غریب و ضعیف است.<sup>۱</sup>

وی سپس حدیثی را از ابن جریر نقل می‌کند و می‌نویسد: قال ابن جریر حدّث عن محمّد بن الحسن بن زباله حدّثنا عبدالمهیمن بن عبّاس بن سهل بن سعید حدّثنی ابی عن جدی قال: رأی رسول الله ﷺ بنی فلان یزورن علی منبره نزو القروء، فساءه ذلك فما استجمع ضاحكاً حتّی مات وانزل الله فی ذلك (و ما جعلنا الرؤیا التي اریناك الا فتنة للناس).

آن‌گاه ابن کثیر در مقام نقّادی حدیث بر آمده می‌گوید: این سند بسیار ضعیف است؛ زیرا محمّد بن الحسن بن زباله فردی بی‌اعتبار است، چنان که استادش نیز بی‌اعتبار می‌باشد.<sup>۲</sup>

### بررسی سخن ابن کثیر

الف - حدیث مذکور، تنها از طریق سهل بن سعید و بالآخره محمّد بن الحسن بن زباله بیان و روایت نشده و از طرق مختلفی بیان شده است که ان شاء الله در بحث حدیثی به آن اشاره می‌گردد.

ب - عموم مفسران اهل سنت که نسبت به اطلاق شجره ملعونه بر بنی امیه سخنی بر رد آن بیان داشته‌اند، هنگامی که به حدیث عایشه و سخن او به مروان بن حکم می‌رسند سکوت می‌کنند؛ گویا که اصل اطلاق را پذیرفته‌اند.

۴ - **فخر رازی**: فخر رازی به استناد قول بیشتر مفسران<sup>۳</sup> می‌گوید شجره ملعونه همان شجره زقوم ذکر شده در قرآن است؛ به طوری که این معنی از آیه **﴿إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ طَعَامُ الْأَثِيمِ﴾**<sup>۴</sup> به دست می‌آید. فخر رازی خود در پاسخ به این ابهام که اگر منظور از شجره ملعونه درخت زقوم باشد، چرا در قرآن بیانی از لعن

۱- حدیث غریب بر سه قسم است: غریب الاسناد، غریب المتن و غریب الاسناد والمتمن. مقصود ابن کثیر در اینجا غریب الاسناد است؛ یعنی در تمام طبقات فقط یک نفر از یک نفر نقل نموده است و نیز مقصود از ضعیف، حدیثی است که واجد شرایط حدیث صحیح نباشد؛ مثلاً راوی ثقة نبوده باشد.

۲- تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۵۲.

۳- مرحوم طبرسی نیز روایت را نقل می‌کند (البته با لفظ قیل) نه به این معنی که خود آن قول را پذیرفته است. مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۵۵.

۴- دخان / ۴۴-۴۳؛ درخت زقوم (در جهنم) قوت و غذای بدکاران و گنهکاران است.

شجره زقوم نشده است، می‌گوید که برای آن می‌توان وجوهی را مد نظر قرار داد که عبارت‌اند از:

۱- مراد از لعن در آیه، لعن کفاری است که از درخت زقوم تناول می‌کنند.<sup>۱</sup>

۲- از آنجا که عرب به هر غذای ناپسند مضر، ملعون می‌گوید، به سبب ناپسندی زقوم آن را ملعون دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

۳- کلمه «لعن» به معنای دور کردن است. بنابراین از آن حیث که این درخت ملعونه در قرآن از تمامی صفات خیر و خوبی دور بوده آن را ملعونه نامیده‌اند؛<sup>۳</sup> زیرا آن شجره در بن دوزخ و در دورترین مکان از رحمت الهی می‌روید.<sup>۴</sup>

همچنین فخر رازی از ابن عباس روایت کند: «شجره ملعونه» همان بنی امیه؛ یعنی حکم‌بن ابی‌العاص است. رسول اکرم ﷺ در خواب دید: فرزندان مروان منبرش را دست به دست به یکدیگر تحویل می‌دهند. رسول خدا ﷺ خوابش را برای ابوبکر و عمر که در خانه‌اش به سر می‌بردند بیان داشت. وقتی آن دو خارج شدند پیامبر ﷺ از حکم شنید که از خواب رسول خدا ﷺ خبر می‌دهد. پیامبر ﷺ بسیار ناراحت شدند و بر ملا کردن رازش را به عمر نسبت دادند، ولیکن پس از آن آشکار شد که حکم به سخن آنان گوش می‌داده (و خود گفت و گوی رسول خدا ﷺ را شنیده است)!

فخر روایت را از زبان واحدی این گونه مورد بررسی قرار می‌دهد: این داستان در مدینه به

وقوع پیوست (و فرزندان مروان حاکم شدند) در حالی که سوره (اسراء) در مکه نازل شده است. بنابراین این تفسیر یاد شده از صحت دور است جز اینکه گفته شود این آیه (در بین آیات سوره اسراء) مدنی است، که در این صورت هم هیچ کس آن را نگفته و بیان نداشته است.

رازی علاوه بر این در پایان می‌گوید: از جمله اموری که تأویل فوق (بنی امیه) را مورد تأکید قرار می‌دهد گفته عایشه به مروان است که به وی گفت: خداوند پدرت را در حالی که تو در صلب او بودی مورد لعن قرار داد. بنابراین تو نیز بخشی از (وجود) کسی هستی که خداوند او را لعن کرد.<sup>۵</sup>

**۵- سید قطب:** او در تفسیر خود رؤیا را همان چیزی بیان می‌دارد که خداوند در شب معراج به پیامبرش نشان داد. وی منظور از شجره ملعونه را شجره زقوم ذکر می‌کند و به روایات ذکر شده در کتب تفسیری شیعه و اهل سنت هیچ

۱- الکشاف، ج ۲، ص ۴۵۵؛ روح البیان، ج ۵، ص ۱۷۸.

۲- الکشاف، ج ۲، ص ۴۵۶.

۳- التفسیر الکبیر، ج ۲۰، ص ۲۳۸.

۴- الکشاف، ج ۲، ص ۴۵۶؛ روح البیان، ج ۵، ص ۱۷۸.

۵- التفسیر الکبیر، ج ۲۰، ص ۲۳۸، ملاحظه می‌شود فخر رازی پس از تضعیف قول اطلاق شجره ملعونه بر بنی امیه از زبان واحدی، سخن عایشه به مروان مبنی بر تأیید این اطلاق را بیان می‌دارد و بیانی پس از آن عنوان نمی‌کند. بنابراین عدم رد آن خود می‌تواند دلیلی بر صحت این تعبیر و اطلاق بوده باشد.

اشاره‌ای نمی‌کند.<sup>۱</sup>

**۶- بیضاوی:** بیضاوی که یکی دیگر از مفسران اهل سنت می‌باشد در تفسیر خود در ذیل آیه شریفه (اسراء ۶۰) روایتی را این گونه بیان می‌دارد:

«و قیل رأی قوماً من بنی امیه یرقون منبره و ینزون علیه نزو القردة، فقال: هذا حظهم من الدنيا یعطونه باسلامهم» و اضافه می‌کند: «و علی هذا کان المراد بقوله: «الا فتنة للناس» ما حدث فی ایامهم».<sup>۲</sup>

وی شجره ملعونه را همان شجره زقوم دانسته، تاویل آن را به «شیطان، ابوجهل، و حکم بن ابی العاص» می‌داند.<sup>۳</sup>

**۷- طبری:** ابن حریر روایتی را از طریق سهل بن سعد نقل می‌کند؛ روایت از این قرار است:

«رأی رسول الله ﷺ بنی فلان ینزون علی منبره نزو القردة، فساء ذلك فما استجمع ضاحكاً حتّی مات. وانزل الله تعالی ﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ...﴾»<sup>۴</sup>

همچنان که روشن است، طبری مشخص نمی‌کند که رسول خدا چه کسی یا چه کسانی را در خواب دید و لذا به جای لفظ «بنی امیه» بنی فلان می‌نویسد. او همچنین ضمن بیان احادیث متعدد از روایان مختلف، بدون ردّ حدیث در مورد بنی امیه می‌گوید: بهترین و صحیح‌ترین نظر در میان این اقوال، گفته کسی است که مقصود از رؤیا را آیات و عبرتهایی که پیامبر

اکرم ﷺ در مسیرش به سوی بیت المقدس مشاهده کرده ذکر می‌کند؛ از این رو طبری منظور از فتنه را آزمایش کسانی می‌داند که از اسلام برگشته، مرتد شدند.

طبری در تفسیر عبارت «و الشجرة الملعونة فی القرآن» احادیثی را که نقل می‌کند جملگی بیانگر این مطلب است که منظور و مراد خداوند از شجره ملعونه همان زقوم است و هیچ ذکری از بنی امیه بیان نمی‌دارد.<sup>۵</sup>

**۸- قرطبی:** قرطبی سه حدیث از ابن عباس نقل می‌کند. اول: او نقل کرده رؤیای پیامبر اکرم ﷺ همان رؤیایی است که به پیامبر ﷺ در شب بردنش به بیت المقدس نشان داده شد و نیز می‌افزاید: شجره ملعونه همان شجره زقوم است و ترمذی این حدیث را صحیح می‌داند.

دوم: رؤیایی که در این آیه آمده، همان رؤیای رسول خدا ﷺ است که دید در سال حدیبیه

۱- فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۴۱.

۲- تفسیر البیضاوی، ج ۸، ص ۴۵۳؛ و گفته شده پیامبر اکرم ﷺ گروهی از بنی امیه را دید که بر منبرش بالا می‌روند و بر آن مانند جستن میمون می‌پزند. پیامبر ناراحت شدند، به ایشان گفتند: این (حکومت) بهره‌شان از دنیا است که به خاطر اسلامشان به آنها داده می‌شود و بر این اساس منظور از فتنه برای مردم، وقایعی است که در دوره آنها به وقوع پیوست.

۳- همان، ج ۸، ص ۴۵۴.

۴- جامع البیان، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۵- همان، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

به مکه داخل می‌شود. وقتی از آنجا برگشت و به مکه رفت، مسلمانان مورد امتحان قرار گرفتند و بالاخره در سال بعد خداوند نازل فرمود: ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ﴾<sup>۱</sup>. قرطبی اضافه می‌کند در این تأویل، ضعفی مشاهده می‌شود؛ زیرا سوره مکی است و رؤیایی که پیامبر ﷺ در خصوص مسئله مکه مشاهده نمود در مدینه بود.

سوم: قرطبی روایت سومی نقل می‌کند: «انه ﷺ رأى فى المنام بنى مروان يزنون على منبره نزو القردة، فساء ذلك فقيل: انما هى الدنيا أعطوها، فسرى عنه.»

وی اضافه می‌کند: البته پیامبر ﷺ در مکه منبری نداشت، ولی جایز است که در مکه رؤیای منبر در مدینه را مشاهده کند. قرطبی می‌گوید: این تأویل سوم را نیز سهل بن سعد بیان می‌دارد:

«انما هذه الرؤيا ان رسول الله ﷺ كان يرى بنى امية يزنون على منبره نزو القردة، فاغتم لذلك وما استجمع ضاحكاً من يومئذ حتى مات ﷺ.»

مؤلف جامع الاحکام می‌گوید: این آیه نازل شد در حالی که از این خبر داد که حکمرانی و بالارفتنشان (بر کرسی خلافت) را خداوند برای مردم فتنه و امتحان قرار داد. حسن بن علی ﷺ در خطبه‌ای که در مورد بیعتش با معاویه سخن می‌گفت، خواند: «و ان ادري لعله فتنه لكم ومتاع الى حين» و ابن عطیه گفته است:

و در این تأویل (به اصطلاح تأویل سوم) تأملی است و لا یدخل فی هذه الرؤيا عثمان ولا عمر بن عبدالعزیز ولا معاویه!<sup>۲</sup>

قرطبی در آخر آیه به معنای شجره ملعونه می‌پردازد و از ابن عباس روایت کند که او گفت: «هذا الشجرة بنو امية، وان النبی ﷺ نفى الحكم» و خود این گونه نظر می‌دهد: «هذا قول ضعيف محدث والسورة مكية فيبيعد هذا التأويل، إلا أن تكون هذا الآية مدنية، ولم يثبت ذلك، وقد قالت عايشة لمروان، لعن الله اباك وانت فى صلبه فأنت بعض من لعنه الله.»<sup>۳</sup>

### بررسی دیدگاه قرطبی

در بررسی دیدگاه قرطبی چند نکته به نظر می‌رسد که در زیر بیان می‌گردد:

۱- قرطبی خود روایت سهل بن سعد را بیان می‌کند (البته لفظ روشن در روایت اول بنی مروان بود و در دوم بنی امیه) و بر آن هیچ نقد یا ضعفی عنوان نمی‌کند، و لذا خواننده حق دارد از بیان وی نتیجه بگیرد که قرطبی نیز به صحت این روایت معتقد و معترف است.

۲- وی در مورد خواب و رؤیای پیامبر ﷺ ورد این شبهه که چگونه پیامبر ﷺ در حالی که در مکه به سر می‌برد و سوره «اسراء» در مدینه نازل می‌شود، در

۱- فتح / ۲۷.

۲- الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸۴-۱۸۳.

۳- همان، ج ۱۰، ص ۱۸۵.

خواب می‌بیند که بنی مروان بر منبرش همچون بوزینه‌ها بالا بروند، پاسخ می‌دهد: این جایز است که در مکه خواب منبرش در مدینه را می‌بیند؛ و حال آنکه قول ابن عباس پیرامون اطلاق شجره ملعونه به بنی امیه را رد می‌کند، چرا که این سوره مکی است و بنی امیه در مدینه (پس از هجرت) بر خلافت تکیه زدند...

۳- در خصوص خروج عده‌ای از جمع بنی‌امیه و بنی مروان، اولاً: با چه دلیل و بیینه‌ای مجاز هستیم عده‌ای را از جمع کسانی که پیامبر اکرم ﷺ درباره آنها سخنها فرمود بیرون کنیم؟!

ثانیاً: می‌توان گفت در فرایند عدم رعایت ترتیب، در عثمان عمر بن عبدالعزیز و معاویه حکمتی نهفته است. ابهام این است که چرا عمر بن عبدالعزیز بر معاویه مقدم قرار گرفته است؟ شاید بتوان پاسخ را در سعی بر موجه جلوه دادن معاویه، با استفاده از وجهه تا حدودی مناسب عمر بن عبدالعزیز جویا شد.

۴- قرطبی پس از ذکر حدیث عایشه با مروان، هیچ سخنی در قبول یا رد آن نمی‌راند و این خود اقرار و اعترافی است بر صحت قول اطلاق شجره ملعونه بر بنی امیه.

### علامه طباطبایی و بررسی آرای گذشته

مرحوم علامه طباطبایی در مقام نقد و بررسی آرای مفسران (اهل سنت) ابتدا به مسئله رؤیا اشاره می‌کند و این دعوی را که

منظور از رؤیا همان معراج باشد رد می‌کند و به دقت آن را مورد بررسی و تأمل قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> پس از آن به مسئله شجره ملعونه پرداخته، ضمن بیان اقوال مفسران، یک به یک آنها را نقادی می‌کند. در این مجال به شرح موضوع اشاره می‌شود:

۱- مراد از لعن، خورندگان آن (زقوم) است. علامه می‌گوید: (مدعیان این نظر بر این باورند که) لعن به این وجه، مبالغه در لعنت را می‌رساند، ولیکن هر چند که این وجه سخن در محاورات و گفت و گوهای عوام الناس بسیار است، اما لازم است این گونه سخن گفتن را از ساحت کلام الهی دور بدانیم؛ زیرا این روش مردم نادان و بی‌خرد است که وقتی خواستند کسی را دشنام دهند، وی را به وسیله لعن به پدر و مادر و خانواده‌اش مورد لعن قرار می‌دهند تا از این طریق در بدگویی از وی مبالغه کرده باشند. آنها وقتی تصمیم گرفتند مردی را دشنام دهند، همسر و دخترش را به زشتی یاد می‌کنند و آسمانی که بر وی سایه افکنده و زمینی که او را در خود جای داده و خانه‌ای که مسکن وی شده و مردمی را که با وی معاشرت و همزیستی می‌کنند مورد لعن و ناسزا قرار می‌دهند و حال آنکه ادب قرآن باز می‌دارد که نسبت لعنت به درختی داده شود که مردم بدسیرت از میوه‌اش می‌خورند.<sup>۲</sup>

۱- المیزان، ج ۱۳، ص ۱۴۰.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۱۴۱.

۲- منظور از لعن، بیان ناپسندی و مضرّ بودن زقوم است.

مقصود این است که به طور مجاز لعن به شجره برمی‌گردد، در حالی که منظور از آن میوه درخت است. ولی به هر صورت چنین کاربردی برای معنای لعن ثابت نشده است، بلکه ظاهراً اگر درختی را متّصف به لعن کردند، همان معنای معروف لعن از آن فهمیده می‌شود<sup>۱</sup> (و نه معنای مجازی آن).

۳- لعن به معنای دور کردن باشد.

چنین چیزی در لغت ثابت نشده است و آنچه (مفسران) ذکر کرده‌اند و از آیات قرآن برای آن شاهد آورده‌اند، معنایش دور کردن از رحمت و کرامت است. و اینکه گفته شده: آیه مانند آیه «شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ»<sup>۲</sup> است و اصل جحیم چون دورترین نقاط از رحمت است، دلیل پذیرفته شده‌ای برای آن نیست؛ زیرا اگر منظور از رحمت، بهشت باشد، برای این دعوی دلیلی نیست و اگر مقصود از رحمت، معنای مقابل عذاب است لازم‌اش این است که ملعونه بودن شجره به معنای دور بودن از رحمت و کرامت باشد. و مقتضای این سخن این است که جهنم، و آن عذابهایی که خداوند در آن مهیا ساخته و ملائکه آتش و خزنه دوزخ همه از لعنت شدگان مغضوب خداوند و دور از رحمت او باشند، در حالی که هیچ یک از آنها لعن نشده‌اند و تنها لعن و غضب و دوری از رحمت خداوند برای عذاب شوندگان از انس و جن

می‌باشد<sup>۳</sup>.

مرحوم علامه طباطبایی به موارد دیگری نیز اشاره نموده که به دلیل پرهیز از اطاله کلام، از آن اقوال چشم‌پوشی می‌کنیم.

### شجره ملعونه در احادیث شیعه

در متون روایی شیعه و اهل سنت، روایات متعددی در باره شجره ملعونه ذکر شده است. در بعضی از این روایات بنا بر شرح و توضیح رؤیایی که رسول خدا ﷺ آن را دیده گذاشته شده است و در بعضی دیگر به صراحت از شجره ملعونه یاد می‌شود و مصداقی آشکار یا به عبارت دیگر، منظور از شجره شرح داده می‌شود. در ادامه، شجره ملعونه را در احادیث شیعه و اهل سنت پی می‌گیریم.

دانشمندان بسیاری در شیعه، در کتب تفسیری و روایی خود، از حقیقت رؤیایی که پیامبر اکرم ﷺ مشاهده فرمود و همچنین شجره ملعونه‌ای که در آیه از آن یاد شده سخن گفته‌اند، که در این فرصت به برخی از این روایات اشاره می‌گردد:

الف - در تفسیر عیاشی از علی بن بن سعید نقل شده که گفت: کنت بمکة فقدم علینا معروف بن خربوذ<sup>۴</sup> فقال: «قال لی ابو عبدالله ﷺ ان

۱- همان، ج ۱۳، ص ۱۴۲.

۲- صفات / ۶۴.

۳- المیزان، ج ۱۳، ص ۱۴۲-۱۴۱.

۴- «معروف بن خربوذ» از اصحاب حضرت باقر

←

عليّاً قال لعمر يا اباحفص، ألا أخبرك بما نزل في بني امية؟! قال: بلى، قال: فأنه نزل فيهم «و الشجرة الملعونة في القرآن»، قال: فغضب عمر و قال: كذبت، بنو امية خيرٌ منك و اوصل للرحم!»<sup>۱</sup>

ب - مرحوم طبرسی در احتجاج روایت می‌کند: در مجلس معاویه، مروان (بن حکم) به امام حسن علیه السلام گفت: «والله لأَسْبَتَكَ و اباك و اهل بیتك سباً تتغنى به الأماء و العبيد»؛ به خدا سوگند تو و پدر و خاندانت را به گونه‌ای دشنام دهم که کنیزان و غلامان در آوازه‌هایشان از آن دم زنند.

امام حسن مجتبی علیه السلام در جواب به مروان فرمود:

«أما انت يا مروان فلست سببتك ولا سببت اباك، ولكن الله عزَّوجلَّ لعنك و لعن اباك و اهل بیتك و ذريتك، و ما خرج من صلب ابيك الى يوم القيامة على لسان نبيه محمد، و الله يا مروان ما تنكر انت ولا احدٌ ممن حضر، هذه اللعنة من رسول الله صلی الله علیه و آله لك و لابيك من قبلك، و ما زادك الله يا مروان بما خوفك الا طغياناً كبيراً، و صدق الله و صدق رسوله يقول الله تبارك و تعالی: ﴿و الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ و انت يا مروان و ذريتك الشجرة الملعونة في القرآن و ذلك عن رسول الله صلی الله علیه و آله عن جبرئيل عن الله عزَّوجلَّ.»<sup>۲</sup>

ای مروان من تو و پدرت را ناسزا نگویم،

لیکن خداوند عزَّوجلَّ تو و پدر و خاندان و فرزندان و هر کسی را که از صلب پدرت تا روز قیامت خارج شود بر زبان پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله مورد لعن قرار داد. به خدا سوگند ای مروان نه تو و نه هر کس که حاضر بود نمی‌توانید این را انکار کنید که این لعنت از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بر تو و بر پدرت نثار شده است و خداوند به دنبال ترساندن، تو را چیزی جز طغیان بزرگ نیفزوده است و گفتار خدا و پیامبرش راست است. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿و الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ «و تو و فرزندان ای مروان همان شجره ملعونه در قرآن هستید و این بیان از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده که جبرئیل از ناحیه خداوند بر او فرستاده است.

ج - عن ابن سلیمان عن ابی عبد الله علیه السلام، قال: اصبح رسول الله صلی الله علیه و آله يوماً حاسراً حزیناً،

→ و حضرت صادق علیه السلام بوده و در عین حال از جمله اصحاب اجماع است؛ به طوری که کشتی درباره ابن عدّه (اصحاب اجماع) می‌گوید: قد اجتمعت الصحابة على تصحيح ما يصح عنهم و الاقرار لهم بالفقه و الفضل و الضبط و الثقة؛ یعنی دانشمندان مکتب اهل بیت اتفاق نظر دارند بر اینکه روایتی را که از این جمع به صحت پیوسته صحیح شمارند و همه بر فقه و فضل و ضبط و وثوق آنان اقرار دارند... (درایة الحدیث، ص ۲۵ و تلخیص مقياس الهدایة، ص ۱۱۰).

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۰؛ البرهان، ج ۲، ص ۴۲۴-۴۲۵؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۸۰.

۲ - الاحتجاج، ص ۲۷۹؛ الصافی، ج ۳، ص ۲۰۳-۲۰۱؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۷۹.

فقیل له: ما لك يا رسول الله؟ فقال: «انی رأیت (اللیلۃ) صبیان بنی امیة یرقون علی منبری هذا، فقلت: یا ربّ معی؟ فقال: لا و لكن بعدك».

ملاحظه می‌شود که در این احادیث، به صراحت منظور از رؤیا و شجره ملعونه همان بنی امیه و بنی مروان عنوان می‌شود. در حدیث دیگر، پیامبر ﷺ حاکمانی را که پس از حضرتش بر منبر رسول خدا بالا می‌روند و بر شأنی بزرگ تکیه می‌زنند به کودکانی تشبیه نموده که برای مقاصد کودکانه بر آن منبر شریف بالا می‌روند.

د - علی بن ابراهیم در تفسیر خود ذیل آیه «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي ... وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ» می‌نویسد:

«نزلت لَمَّا رآی النبی ﷺ فی نومه كأنّ قروداً تصعد منبره، فساء ذلك وغمه غمماً شديداً، فانزل الله: وما جعلنا الرؤيا التي... كذا نزلت وهم بنو امية.»<sup>۱</sup>

### تعداد شاخه‌های شجره

در بعضی از روایات دقیقاً به تعداد شاخه‌های درخت به عنوان کسانی که حکومت را پس از پیامبر اکرم ﷺ در دست می‌گیرند اشاره شده است. غالب روایان تعداد آنها را دوازده تن می‌شمرند که از این مجموع دو تن به عنوان بنیانگذار این شجره و ده تن دیگر را از بنی امیه بیان داشته‌اند. در زیر به بعضی از این روایات اشاره می‌شود:

الف - در یکی از احتجاجاتی که حضرت امیر ﷺ با مخالفانشان در باب حقانیت ولایت خود داشته‌اند، محاجّه‌ای است که با طلحه صورت گرفته است. در زیر به قسمتی از آن اشاره می‌گردد:

طلحه به حضرت عرض می‌کند: از آنچه که از قرآن و تأویلش، و علم حلال و حرام نزد خود داری برای من بیان کن که حکومت را به چه کسی تحویل می‌دهی و چه کسی پس از تو به خلافت می‌رسد؟

حضرت امیر ﷺ پاسخ می‌دهند:

«ان الذی امرنی رسول الله ﷺ أن ادفعه الیه وصیی واولی الناس بعدی بالناس ابنی الحسن، ثمّ یدفعه ابنی الحسن الی ابنی الحسین، ثمّ یصیر الی واحد بعد واحد من ولد الحسین حتّی یرد آخرهم حوضه، هم مع القرآن لا یفارقون والقرآن معهم لا یفارقهم. اما ان معاویة وابنه سیلیان بعد عثمان، ثمّ یلیها سبعة من ولد الحکم بن ابی العاص، واحد بعد واحد، تکمله اثنی عشر امام ضلالة وهم الذین رای رسول الله ﷺ علی منبره، یردّون الامة علی ادبارهم القهقری، عشرة منهم من بنی امیة ورجلان أسّسا ذلك لهم، وعلیهما مثل جمیع اوزار هذه الامة الی یوم

۱- تفسیر القمّی، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۱۱. «این آیه زمانی نازل شد که پیامبر ﷺ در خوابش دید انسانها بوزینه‌وار بر منبرش بالا می‌روند و لذا از آن ناخرسند شد و شدیداً غمگین گشت، پس خداوند آیه «و ما جعلنا الرؤیا التي...» را نازل فرمود و اینان همان بنی امیه می‌باشند.

## القیامة»<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌شود حضرت امیر علیه السلام، کسانی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رؤیا دیدند که بر منبرشان امت اسلام را به زمان جاهلیت سوق می‌دهند، دوازده تن برمی‌شمرند. نفر اول و دوم از این مجموعه را ابوبکر و عمر بیان داشته‌اند و عثمان را به عنوان نفر سوم و آغازگر خط (حکومت پادشاهی) بنی امیه معرفی کرده و پس از وی معاویه و یزید و بالاخره هفت تن بقیه را فرزندان حکم بن ابی العاص بیان نموده‌اند.

ب - امام باقر علیه السلام در توضیح آیه «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي... وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ» می‌فرماید:

«اری رجلاً من بنی تیمم و عدی<sup>۲</sup> علی المنابر یردّون الناس عن الصراط القهقری.» آن‌گاه امام منظور از شجره ملعونه را بنی امیه معرفی می‌کند.<sup>۳</sup>

حدیث یاد شده بر این اشاره دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رؤیا مشاهده کردند که ابوبکر و عمر، مسلمانان را به عقب یعنی به دوره جاهلیت سوق می‌دهند و بنی امیه به عنوان کسانی که خداوند در قرآن آنها را مورد لعن قرار داده نیز از بزرگان خود پیروی می‌کنند.

ج - در حدیثی دیگر یونس بن عبدالرحمن الاشل می‌گوید، از امام باقر علیه السلام درباره آیه سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود:

«ان رسول الله صلی الله علیه و آله نام فرای ان بنی امیه یصعدون المنابر فکلّموا سعد منهم رجلاً، رأی

رسول الله الذلّة والمسکنة، فاستیقظ جزوعاً من ذلك، وكان الذین رأهم اثنا عشر رجلاً من بنی امیه، فاتاه جبرئیل بهذه الآیه.»<sup>۴</sup>

همان گونه که ملاحظه شد در بعضی از روایات تعداد آنها دوازده نفر عنوان می‌شود و در بعضی دیگر به ضمیمه ابوبکر و عمر چهارده نفر.<sup>۵</sup>

## شجره ملعونه در احادیث اهل سنت

از کتب تفسیر و روایی شیعه، احادیثی در تأیید اطلاق شجره ملعونه به بنی امیه نقل شد، اکنون با مراجعه به بعضی از کتب تفسیری - روایی اهل سنت، برآنیم ضمن بررسی آنها، جویای نظرگاه دانشمندان اهل سنت باشیم.

الف - هر چند حدیث حاضر در بخش قبل بیان شد، ولیکن به دلیل اهمیت موضوع، اکنون بر آن تأکید می‌شود: من طریق سهل بن سعید قال<sup>۶</sup>: رأی رسول الله صلی الله علیه و آله بنی امیه ینزون علی

- ۱ - الاحتجاج، ص ۱۵۵؛ الصافی، ج ۳، ص ۲۰۱-۲۰۰.
- ۲ - منظور از بنی تیمم، ابوبکر است: «تیمم نام قبیله ابوبکر است که به تیمم بن مرّه بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک برمی‌گردد» (لسان العرب، ج ۲، ص ۷۱) و منظور از بنی عدی، عمر بن الخطاب است. «عدی نام قبیله‌ای است که به عدی بن کعب برمی‌گردد» (همان، ج ۹، ص ۹۹).
- ۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۱؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۸۰.
- ۴ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۱؛ البرهان، ج ۲، ص ۴۲۵.
- ۵ - اطیب البیان، ج ۸، ص ۲۷۶-۲۷۵.
- ۶ - الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۱۸۴.

منبره نزو القردة، فساء ذلك فما استجمع ضاحكاً حتى مات، وانزل الله تعالى: وما جعلنا الرؤيا التي اريناك إلا فتنة للناس والشجرة الملعونة في القرآن»<sup>۱</sup>.

ب - در روایت دیگری که از ابن عمر نقل می‌گردد، به طور واضح از فرزندان حکم بن ابی العاص نام برده می‌شود:

«اخرج ابن ابی حاتم عن ابن عمران النبی ﷺ قال: رأیت ولد الحکم بن ابی العاص علی المنابر کانهم القردة وانزل الله فی ذلك: «و ما جعلنا الرؤیا التي اريناك الا فتنة للناس والشجرة الملعونة»؛ «یعنی الحکم وولده»<sup>۲</sup>.

ج - سیوطی روایتی دیگر را از امام حسین علیه السلام این گونه نقل می‌کند:

اخرج ابن مردويه عن الحسين بن علي - رضي الله عنه - أن رسول الله - أصبح وهو مهموم - فقيل: ما لك يا رسول الله؟ فقال: «اني اريت في المنام كأن بني امية يتعاورون منبري هذا» فقيل، يا رسول الله لا تهتم، فانها دنيا تنالهم فانزل الله «و... ما جعلنا الرؤيا التي اريناك...»<sup>۳</sup>.

د - همچنین در روایتی منسوب به عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه بیان می‌شود:

اخرج ابن مردويه عن عائشة أنها قالت لمروان بن الحکم: سمعت رسول الله ﷺ يقول لا بيك وجدك «انکم الشجرة الملعونة فی القرآن»<sup>۴</sup>.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، سه روایت

اخیر از سیوطی نقل شد، ولیکن وی (که به مناسبت‌هایی در ذیل روایات نظر خود را بیان می‌داشت) هیچ گزارش و نقدی نسبت به این گونه روایات بیان نمی‌دارد.

از جمله نکات شگفت‌آوری که در مجموع روایات به چشم می‌خورد، نقل روایتی همچون روایت اخیر (ابن مردویه از عایشه) می‌باشد. این روایت در لعن حکم بن ابی العاص پدر مروان، تصریح دارد و حتی مفسران متعصبی چون ابن‌کثیر، مجبور به نقل و پذیرش آن می‌شوند؛ بدین سان چنانچه روایات دیگر مورد نقد و بررسی قرار گیرند روایت عایشه بسیار در بیان مفهوم خود گویا و روشن است.

البته ناگفته نماند ابن‌کثیر در جای دیگری نیز به این مسئله (لعن حکم بن ابی العاص) اشاره می‌کند. وی در ذیل آیه **﴿وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا﴾**<sup>۵</sup> دو روایت از دو طریق نقل می‌کند که پیام و مفهوم کلی هر دو تضعیف شخصیت مروان است. روایت اول را از ابن ابی حاتم نقل می‌کند که عبدالرحمن بن ابی‌بکر به مروان می‌گوید: «الست ابن اللعين الذي لعن

۱ - جامع البیان، ج ۱۵، ص ۱۱۳-۱۱۲. شایان ذکر است که طبری در ذکر حدیث لفظ بنی فلان را به جای بنی امیه به کار می‌برد.

۲ - الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۰۹.

۳ - همان، ج ۵، ص ۳۱۰.

۴ - همان.

۵ - احقاف / ۱۷.

**اسلام در قرن اول هجری که  
بیشترین توان را برای رشد  
و پویایی و گستراندن دامنه معارف  
الهی در جامعه بشری داشت، به  
تاخت و تاز امویان و مروانیان  
دچار شد و انوار درخشان  
معصومین علیهم السلام مورد هجوم آنان  
قرار گرفت و در نتیجه جامعه  
بشری از وجود آن محروم گشت**

تهدیدهای الهی بیمناک نشده، پیوسته با دین‌ورزی مردم بازی می‌کنند. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله به دقت آنان را تحت مراقبت قرار داده، گاهی تعدادی از سران آنان همچون «حکم ابن ابی العاص» و فرزندش «مروان» را برای دور ماندن از مردم و کاستن توان فتنه‌گری از جامعه دینی آن روز (مدینه) به شهر دیگری تبعید می‌کند، ولی دیری نمی‌پاید که از زمان خلافت عثمان، ضمن بازگشت، به هدم و نابودی دین اقدام می‌کنند و این رویه را به فرزندان خویش انتقال داده، بر بالاترین سمت‌ها و مسئولیت‌ها از جمله خلافت تکیه زده، به فتنه‌گری و ممانعت از رشد و گسترش حقیقت دین می‌پردازند.

اسلام در قرن اول هجری که بیشترین توان را برای رشد و پویایی و گستراندن دامنه معارف الهی در جامعه بشری داشت، به تاخت و تاز امویان و مروانیان دچار شد و انوار درخشان معصومین علیهم السلام مورد هجوم آنان قرار گرفت و در نتیجه جامعه بشری از وجود آن محروم گشت.

رسول الله صلی الله علیه و آله ابابک<sup>۱</sup>. و روایت دوم به طریق دیگری از نسائی نقل می‌کند که عایشه ضمن رفع تهمت<sup>۲</sup> مروان به برادرش عبدالرحمن می‌گوید: «لکن رسول الله صلی الله علیه و آله لعن ابا مروان و مروان فی صلبه، فمروان بعض من لعنه الله.»<sup>۳</sup>

### نتیجه‌گیری

خداوند در آیه ۶۰ سوره اسراء از حقیقتی سخن به میان می‌آورد که از رنجی از رنجهای رسول خدا صلی الله علیه و آله حکایت دارد. پیامبر در رؤیایی ملاحظه می‌کند حاکمان دینی، ابزار حاکمیت را - در قالب منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله - به باد تمسخر و بازی گرفته، یک به یک بر جایگاه معرفی دین بالا و پایین می‌روند. این جریان، مایه فتنه و ابزار آزمایش مردم قرار می‌گیرد، لیکن بازیگران آن نسبت به

۱- تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۷۱؛ آیا تو پسر همان کسی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پدر تو را مورد لعن قرار داد نیستی؟!

۲- مسئله تهمت به شخص مورد خطاب در آیه شریفه ﴿وَ الَّذِي قَالَ لَوْلَا دَيْهٖ اَفْ لَكُمْ اَتَعْدَانِي اَنْ اُخْرَجَ وَ قَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي...﴾ (احقاف / ۱۷) بدان باز می‌گردد که مروان معتقد بود منظور از «الذی» عبدالرحمن بن ابی بکر است، ولی عایشه به محض شنیدن این سخن به دفاع از برادر خویش پرداخت. ۳- تفسیر القرآن العظیم، ج ۴.

## منابع و مأخذ

- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، اصفهان، محمدی، ۱۳۴۱ش.
- العروسی الحویزی، عبدعلی، نور الثقلین، چاپ چهارم: قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
- عیاش سلمی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، العلمیة الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
- فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر، چاپ سوم: بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵ق.
- فیض کاشانی، محسن، الصافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
- قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۲ق.
- مامقانی، عبدالله، تلخیص مقباس الهدایة، تهران، صدوق، ۱۳۶۹ش.
- الماوردی البصری، علی بن محمد، النکت والعیون (تفسیر الماوردی)، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- متقی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- مدیر شانہچی، کاظم، درایة الحدیث، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی. ①
- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، چاپ چهارم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، چاپ سوم: بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۹ق.
- ابن منظور، لسان العرب، قم، ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
- احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآنی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
- بروسوی، اسماعیل، روح البیان، چاپ هفتم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- بیضاوی، ناصر الدین، انوار التنزیل و اسرار التاویل، فلیشر لایبزیك، ۱۸۴۶ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۷ق.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۷۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، چاپ دوم: بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۸ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالاسوه، ۱۳۸۰ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الجمیل.

لَقَدْ ابْتَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلِ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُم كَارِهُونَ.

التوبة / ۴۸

پیش از این هم فتنه‌گری می‌کردند و کارها را برای تو واژگونه جلوه می‌دادند تا آن‌گاه که حق فراز آمد و فرمان خداوند آشکار شد، در حالی که از آن کراهت داشتند.